

فلسفه حکم تعدد زوجات

مسعود امامی

چکیده

این نوشتار با بیان فلسفه حکم تعدد زوجات در اسلام در صدد دفاع عقلانی از این حکم در مقابل پرسشها و اعتراضات موجود در عصر حاضر است. نویسنده بعد از تبیین روش درست دفاع از قوانین و مقررات حقوقی و فقهی، سه دیدگاه در فلسفه این حکم بیان می کند و در نهایت مهم ترین عامل تشریح این حکم را تفاوت گزینه جنسی میان زن و مرد و تحریک پذیری و قدرت بیشتر آن در مردان می داند که موجب شده است نظام حقوقی مبتنی بر تک همسری که در بیشتر جوامع امروز رایج است نتواند روابط جنسی میان زنان و مردان را تحت انضباط قانونی در آورد و مانع رواج روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج گردد. او در نهایت نتیجه می گیرد که ازدواج تک همسری از نظر اخلاقی و در شرایط عادی مطلوب تر است و حکم مشروعیت تعدد زوجات بر اساس ضرورت‌های اجتناب ناپذیر برخاسته از گزینه جنسی مردان شکل گرفته است و تنها می بایست در محدوده وجود ضرورت و شرایط مناسب به آن اقدام شود.

کلیدواژگان: ازدواج، تعدد زوجات، چندهمسری، خانواده، گزینه جنسی، علل الشرایع، فلسفه احکام.

مقدمه

امروزه حوزه مباحث حقوقی مهم ترین نقطه برخورد دانش انسان غربی با آموزه‌های اسلام شده است. دانش حقوق عرفی در بسیاری از زمینه‌ها و دستاوردهای خود، به جهت برخوردار بودن از متدلوژی علمی متفاوت، نمی تواند مانند علوم طبیعی بشر را به افق‌های روشن و قطعی برساند، به همین جهت تنوع برداشت‌ها و نظریه‌ها در این علم مانند دیگر شاخه‌های علوم انسانی کاملاً مشهود است. در عین حال انسان غربی تحت تأثیر عوامل گوناگون که بسیاری از آنها در چارچوب مباحث علمی و در زمره دلایل قابل استناد جای نمی گیرند، می کوشد درک خود از حقوق انسان‌ها را به عنوان دستاوردی غیرقابل انکار به سایر ملت‌ها و فرهنگ‌ها القا کند. یکی از مهم ترین موانع پیش روی غربیان در مقابل این بخش از فرایند جهانی سازی، اسلام است. بی تردید برخی از قوانین اسلام در مورد زن، یکی از شاخص ترین نقاط تعارض حقوق غرب با فقه اسلامی است. به همین علت است که برخی از دانشمندان مسلمان غرب آشنا بر این

باورند که «امروزه داوری بسیاری از مردم درباره اسلام به نقش زنان در فرهنگ و تمدن اسلامی مربوط می‌شود» (نصر، ۱۳۸۶؛ ص ۴۴؛ نصر، ۱۳۸۳، ص ۳۴۸). پس در دوران معاصر، حقوق زن در اسلام نه تنها از دایره بحثی فقط فقهی به بحثی کلامی - فقهی تبدیل شده، بلکه به محور منازعات اندیشه مدرن با اسلام و کانون گفتمان اسلام و غرب بدل شده است. از این رو، سخن گفتن درباره نگاه اسلام به زن و دفاع عقلانی از قوانین آن برای اندیشمندان مسلمان، ضرورتی مضاعف یافته است.

یکی از این قوانین، حکم شرعی تعدد زوجات است که به نظر قریب به اتفاق فقیهان و اسلام شناسان در مذاهب مختلف اسلامی جایز می باشد. تعدد زوجات به معنای چند تن بودن همسران یک مرد در یک زمان است. در مقابل به نظر همه اسلام شناسان، تعدد ازواج برای یک زن و در یک زمان به هیچ وجه جایز نیست. این دو حکم متفاوت برای مرد و زن، یکی از موارد جنجال برانگیز احکام شرعی است که مورد اعتراضها و پرسشهای فراوان در عصر حاضر شده است. نوشتار حاضر در صدد تبیین فلسفه و حکمت این حکم و دفاع عقلانی از آن و بیان دیدگاههای مختلف در این زمینه است. در این راستا نخست به بیان اجمالی جایگاه این حکم در میان اقوام و ملل مختلف، قرآن کریم، سنت معصومان (ع) و علم فقه می پردازیم. سپس دیدگاههای گوناگون اسلام شناسان را در بیان فلسفه و حکمت این حکم بیان کرده، آنگاه از دیدگاه برتر دفاع خواهیم کرد. در پایان برخی پرسشهای مربوط به این حکم و پاسخهای ارائه شده در این باره را ذکر کرده و به بررسی اجمالی آنها خواهیم پرداخت.

تعدد زوجات در میان اقوام و ملل

تعدد زوجات دارای پیشینه بلندی در تاریخ اقوام مختلف و قوانین جوامع و ادیان گوناگون است. در اجتماعات اولیه امر مناسبی شمرده می شد و میان ملت های متمدن نیز رواج داشت (ویل دورانت، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵۰). در قوانین آیین های زرتشت، یهودیت، هندوگرایی و بوداگرایی نیز جایز شمرده شده است؛ در حالی که در مسیحیت و بهائیت ممنوع است. در تورات چندزنی مجاز شمرده شده، اما در انجیل کتاب مقدس مسیحیان در این زمینه اظهار نظر موافق یا مخالفی نشده است، و چون حضرت مسیح مقررات تورات را تأیید کرده است پس در اصل دین مسیح تعدد زوجات جایز می باشد، اما کلیسا تعدد زوجات را ممنوع کرده است (ویل دورانت، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۳۳، ۴۶۵؛ منتسکیو، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۶۰؛ مطهری، ج ۱۹، ص ۳۲۱).

در ایران قبل از اسلام نیز تعدد زوجات شیوع داشته است. هرودت یونانی و استرابون خبر از رواج آن در دربار هخامنشی داده اند (مشیرالدوله، ج ۶، ص ۱۵۳۵، ۱۵۴۳). منتسکیو نیز از آگاتیاس مورخ رومی نقل می کند که تعدد زوجات در میان درباریان ساسانی رواج داشت (منتسکیو، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۵۲۳). در میان اعراب قبل از اسلام نیز تعدد زوجات رایج بود. حسن بصری و ضحاک از نخستین مفسران مسلمان ذکر کرده اند که اسلام شیوه عرب جاهلی را در تعدد زوجات نسخ کرد، زیرا اعراب در تعدد زوجات مرزی نمی شناختند و با هر تعداد از زنان که می خواستند ازدواج می کردند، اما اسلام تعدد زوجات را به چهار همسر محدود کرد (قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۱۲).

تعدد زوجات در حقوق ایران و کشورهای دیگر

در قانون مدنی ایران تعدد زوجات پذیرفته شده است، اما این مسئله به طور مستقیم مطرح نشده، بلکه از مواد مختلف فهمیده می شود. در ماده ۱۰۴۸ ازدواج با دو خواهر هم زمان ممنوع شمرده شده است. در ماده ۱۰۴۹ نیز

ازدواج دختر برادر زن و یا دختر خواهر زن فقط با اجازه زن جایز شمرده شده است. در ماده ۹۴۲ نیز آمده است که در صورت تعدد زوجات ربع یا ثمن ترکه که تعلق به زوجه دارد بین همه آنان بالسویه تقسیم میشود. قانونی بودن تعدد زوجات از این مواد به راحتی فهمیده می شود. چندزنی در قوانین بسیاری از کشورهای جهان از جمله چین، روسیه، انگلستان، آمریکا، ترکیه ممنوع است. در بسیاری از جوامع اروپایی، زندگی زناشویی فقط به صورت تک‌همسری است و مرد یا زن به‌طور قانونی نمی‌توانند در یک زمان با بیش از یک نفر ازدواج کنند. تعدد زوجات در قوانین بیشتر کشورهای اسلامی جایز است، اما رواج آن میان مردم یکسان نیست. در کشورهای اطراف خلیج فارس از رواج بیشتری برخوردار است در حالی که در کشورهای شمال آفریقا رواج کمتری دارد.

تعدد زوجات در قرآن و سنت

اسلام از سنت تعدد زوجات که پیش از آن میان اعراب و غیر اعراب رایج بود و حدی برای آن وجود نداشت منع نکرد، اما آن را محدود به چهار همسر نمود. قرآن کریم در آیات متعدد از تعدد زوجات سخن گفته است. در آیه سه سوره نساء است به صراحت از روا بودن حکم تعدد زوجات تا چهار همسر یاد شده است. در این آیه آمده است:

«وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكُمْ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا؛ و اگر در اجرای عدالت میان یتیمان بیمناکید، هر چه از زنان [دیگر] که شما را پسند افتاد، دو، سه، چهار، به زنی گیرید. پس اگر بیم دارید که به عدالت رفتار نکنید، به یک [زن آزاد] یا به آنچه [از کنیزان] مالک شده‌اید اکتفاء کنید. این [خودداری] نزدیکتر است تا به ستم نگرایی».

آغاز این آیه و نیز آیه قبل در باره یتیمان است. در آیه قبل فرمان به پاسداری از اموال یتیمان و رعایت عدالت در حفظ اموال شان شده است. سپس خداوند در این آیه توصیه به ازدواج با زنان دیگر تا چهار همسر را نتیجه ترس از عدم اجرای عدالت میان یتیمان قرار داده است.

در آیه ۱۲۹ همین سوره مشروعیت تعدد زوجات پیش فرض انگاشته شده و سخن در رعایت شرط عدالت میان همسران است. قرآن در این آیه رعایت کامل عدالت را فوق استطاعت مرد دانسته، ولی از او می‌خواهد که در حد توان در اجرای عدالت بکوشد. همچنین در آیه ۲۳ همین سوره، جمع میان دو خواهر در ازدواج تحریم شده است. این آیه نیز دلالت التزامی بر مشروعیت تعدد زوجات دارد، زیرا در فرض عدم مشروعیت آن، حکم به حرمت ازدواج با دو خواهر در یک زمان لغو خواهد بود.

آیات متعددی در سوره احزاب از زنان پیامبر (ص) سخن گفته است (احزاب/ ۲۸ - ۳۴، ۵۰ - ۵۳ و ۵۹). عبارات گوناگونی در این آیات مانند «قُلْ لِّأَزْوَاجِكَّ»، «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ» و «يَبُوتَ النَّبِيِّ» دلالت بر تعدد زوجات پیامبر (ص) در زمان نزول این آیات دارد. پس این آیات نیز حداقل دلالت بر مشروعیت تعدد زوجات برای پیامبر (ص) می‌کند. در داستان حضرت یوسف در قرآن نیز، او خطاب به برادرانش می‌گوید: «برادر پدری خود را به نزد من آورید» (یوسف/ ۵۹). این آیه نیز دلالت بر تعدد همسران حضرت یعقوب می‌کند؛ هر چند روشن نمی‌کند که آنان در یک زمان همسر او بوده‌اند یا در زمان‌های مختلف.

روایات فراوان نیز در منابع شیعه و اهل سنت دلالت بر مشروعیت تعدد زوجات تا حد چهار زن دارد (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۵۱۷؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۴۲۵؛ بیهقی، ج ۷، ص ۱۴۹). علاوه بر این، سیره عملی پیامبر اکرم و برخی از امامان معصوم (ع) در ازدواج با همسران متعدد گواهی روشن بر مشروعیت آن در اسلام است (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۲۲، ص ۱۷۰؛ ج ۴۲، ص ۷۴؛ ج ۴۴، ص ۱۶۳؛ ج ۴۵، ص ۳۲۹؛ ج ۴۶، ص ۱۵۵، ۳۶۵؛ ج ۴۷، ص ۲۴۱؛ ج ۴۸، ص ۲۸۳؛ ج ۴۹، ص ۲۱۶).

تعدد زوجات در فقه

همه فقهای امامیه و قریب به اتفاق فقیهان عامه، اصل ازدواج را مستحب می‌دانند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۴۵؛ ابن رشد، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲؛ ابن قدامه، ج ۷، ص ۳۳۴)، فقط داود بن حزم پیشوای مذهب ظاهریه فتوا به وجوب ازدواج بر مرد و زن داده است (ابن حزم، ج ۹، ص ۴۴۰). البته تردیدی نیست که به نظر سایر فقهاء اگر ضرورت اقتضا کند، ازدواج واجب خواهد بود.

فقهای همه مذاهب اسلامی به استناد آیه سوم سوره نساء اجماع کرده اند که مرد آزاد حداکثر می‌تواند با چهار زن آزاد ازدواج دائم کند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۹۳؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۳، ص ۶۱۷؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۰، ص ۲). تنها از قاسم بن ابراهیم (م ۲۴۶) که از پیشوایان زیدیه است نقل شده که او ازدواج دائم با نه زن را جایز می‌شمرد. همچنین ادعاء شده که فرقه قاسمیه از میان زیدیه نیز پیرو او می‌باشند. اما شیخ طوسی می‌گوید: کسی از زیدیه را ندیدم که این قول را بپذیرد، بلکه آنان انتساب این قول به خود را انکار می‌کنند (۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۹۳). در عین حال فقهای عامه این قول را به او نسبت داده‌اند (ابن قدامه، ج ۷، ص ۴۳۶؛ کاشانی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۶۵). بعد از اتفاق فقیهان در مشروعیت تعدد زوجات، میان آنها در حکم تکلیفی آن اختلاف است. تردیدی نیست که در ازدواج مجدد اگر نیاز و ضرورت اقتضا کند، حکم آن استحباب یا حتی وجوب خواهد بود، چنان که اصل ازدواج نیز به جهات عارضی ممکن است مشمول یکی از احکام پنج‌گانه شود (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۳، ص ۱۷). اما در باره حکم نفسی آن - فارغ از جهات عارضی - سه قول اباحه، استحباب و کراهت وجود دارد. روشن است که امر به ازدواج با دو، سه و چهار زن در قرآن کریم دلالت بر وجوب نمی‌کند و در هیچیک از مذاهب اسلامی نیز فتوا به وجوب تعدد زوجات دیده نمی‌شود (اردبیلی، ص ۵۰۹).

بیشتر فقها متعرض حکم استحباب یا کراهت نشده‌اند؛ از این رو ظاهر کلام آنها اباحه است. شیخ طوسی می‌گوید: بر مرد مستحب است که با آن تعداد از زنانی که می‌داند توان اداره آنها را ندارد ازدواج نکند (۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۱۱). محقق اردبیلی احتمال داده است که شیخ در این عبارت نظر به کراهت تعدد زوجات داشته است (ص ۵۰۹). برخی دیگر ظاهر کلام شیخ را کراهت می‌دانند و خود نیز همین قول را برگزیده‌اند (کاظمی، ج ۳، ص ۱۸۴). برخی از فقهای دیگر نیز فتوا به کراهت داده‌اند (اشتهاردی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۹، ص ۱۹). به نظر می‌رسد تعدد زوجات همچنان که به جهات عارضی مستحب یا واجب می‌شود، به همین جهات ممکن است مکروه یا حرام شود. وجهی که شیخ طوسی برای رجحان ترک تعدد زوجات ذکر کرده است نیز از جهات عارضی است. از این رو بر اساس آن نمی‌توان ادعا کرد که حکم نفسی تعدد زوجات، کراهت است. بسیاری از وجوهی که ممکن است برای رجحان یا عدم رجحان ازدواج مجدد مطرح شود نیز از وجوه عارضی است که در شرایط مختلف فردی و اجتماعی تغییر می‌کند و با توجه به آنها نمی‌توان حکم نفسی تعدد زوجات را تعیین کرد.

جمعی از فقهای شیعه تعدد زوجات را همچون اصل ازدواج، مستحب می‌دانند (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۲۴۱؛ یزدی، ۱۴۲۸ق، ج ۵، ص ۴۸۲). سیدیزدی به فراز «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَ ثَلَاثَ وَ رُبَاعًا» استناد کرده و صیغه امر را حمل بر استحباب نموده است (همان). اما بعضی به درستی بر این باورند که این فراز دلالتی بر استحباب ندارد و فقط بر رفع ممنوعیت دلالت می‌کند (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۶۷۷).

بعضی از فقها می‌گویند حکم به استحباب ازدواج، مطلق است. پس همچنانکه شامل ازدواج اول می‌شود ازدواج دوم و پس از آن را هم شامل می‌شود (صدر، ۱۴۰ق، ج ۶، ص ۱۷۷). این ادعا نیز قابل اشکال است؛ زیرا بسیاری از روایاتی که مستند حکم به استحباب ازدواج است، در مقام نفی و ذم عزوبت است و از ازدواج مجدد منصرف می‌باشد. این انصراف در سایر روایات هم محتمل است. بنابراین به نظر می‌رسد حکم نفسی تعدد زوجات اباحه است که ممکن است به یکی از جهات عارضی دارای یکی از احکام چهارگانه تکلیفی دیگر گردد. بیشتر فقهای عامه اکتفاء به یک همسر را مستحب می‌دانند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۱۱؛ مزنی، ص ۲۳۰، قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۲۰) اما داود پیشوای مذهب ظاهری ازدواج با بیش از یک زن را مستحب دانسته است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۱۱).

روش دفاع عقلانی از قوانین

دفاع عقلانی از احکام الهی و غیبی دین، به معنای تلاشی بشری است برای دست یافتن به اسرار و حکمت‌های شرعی این احکام. از این رو، نمی‌توان ادعا کرد که در این تلاش خردمندانه بتوان به همه جوانب و ابعاد اسرار و حکمت‌های قوانین الهی دست یافت. پس اگر چه پذیرش احکام مسلم و قطعی دین، برای دینداران حقیقتی غیر قابل تردید است، اما نظریه‌های مطرح شده در دفاع عقلانی از چنین احکامی می‌تواند برای مومنان قابل مناقشه، نقد و حتی انکار باشد.

قرآن کریم در ضمن آیات مربوط به ارث در سوره نساء، بعد از بیان بعضی از قوانین ارث از جمله ارث بردن فرزند پسر به مقدار دو برابر فرزند دختر، به صراحت از نادانی بشر نسبت به علل وضع چنین مقرراتی سخن می‌گوید: «...أَبَاؤُكُمْ وَ أَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ...؛ شما نمی‌دانید پدران و فرزندان کدام یک برای شما سودمندترند. این فرضی است از جانب خدا؛ زیرا خداوند دانای حکیم است» (نساء/۱۱).

اما حتی با پذیرش چنین کاستی‌هایی در دفاع عقلانی از احکام دین، این گونه تلاش‌های علمی مورد تأیید معصومان(ع) بوده است. آنان نیز در عصر خود با پرسش‌های فراوانی درباره علت و حکمت بسیاری از احکام عبادی و غیر عبادی مواجه بودند و در قبال آنها با توجه به میزان دانش و فرهنگ پرسش‌گران، مخاطبان و جامعه عصر خویش و با تکیه بر دانش آسمانی خود، پاسخی مناسب ارائه می‌دادند. بخشی از این گونه پرسش‌ها و پاسخ‌ها سبب تألیف مجموعه‌های روایی به نام «علل الشرایع» گردید که از آن میان می‌توان از دو کتاب مهم به همین نام تألیف فضل بن شاذان(۲۶۰ق) و شیخ صدوق(۳۸۱ق) یاد کرد.

قرآن کریم نیز هنگام بیان احکام و مقررات الهی، علاوه بر تأکید بر ضرورت فرمان برداری انسان‌ها از فرامین الهی، آنان را به تفکر و تعمق در این احکام دعوت می‌کند. آیه «وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ» (بقره/۱۷۹) که یکی از آیات مربوط به قصاص است، حکمت تشریح این قانون الهی را ذکر کرده است و با مخاطب قرار دادن انسان‌ها به عنوان صاحبان خرد، آنان را به اندیشه ورزی در فهم این قانون و حکمت آن که حفظ حیات انسانها است

دعوت می کند. همچنین در مورد شراب و قمار می فرماید: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ؛ درباره شراب و قمار از تو سؤال می کنند، بگو: در آنها گناه و زیان بزرگی است و منافعی برای مردم در بر دارد، ولی گناه آنها از نفعشان بیشتر است و از تو می پرسند: چه چیز انفاق کنند؟ بگو: از مازاد نیازمندی خود. این چنین خداوند آیات را برای شما روشن می سازد، شاید اندیشه کنید» (بقره/۲۱۹). خداوند در این آیه نیز بعد از تشریح علت تحریم شراب و قمار، مخاطبان خود را به تفکر و اندیشه دعوت می کند. در آیات دیگری نیز بعد از بیان احکام الهی، دعوت به تعقل شده است (بقره/ ۲۴۱، ۲۴۲؛ انعام/ ۱۵۱؛ نور/ ۶۱).

روش دفاع عقلانی از قوانین که واقعیاتی مربوط به جهان اعتبار هستند، با روش اثبات حقانیت گزاره های علوم تجربی متفاوت است. گزاره های مورد ادعا در علوم مربوط به نظام تکوین و طبیعت، با ارایه دلایلی که گویای تطابق کامل آن گزاره ها با واقعیات عینی و خارجی است، اثبات می شوند؛ اما قانون به شکل گزاره اخباری بیان نمی شود، بلکه در قالب گزاره ای دستوری شکل می گیرد زیرا واقعیاتی اعتباری است که تحت اختیار اعتبارکننده می باشد و از پدیده های عینی حکایت نمی کند، بلکه از روشی دیگر برای اثبات حقانیت خود بهره می گیرد.

قانون در هر نظام حقوقی برای رسیدن به هدفی واقعی و عینی وضع می شود، از سوی دیگر هر چند قانون امری اعتباری است؛ اما به طور کامل از واقعیات عینی و طبیعی بیگانه نیست زیرا موضوع قانون، انسان است. انسان نیز پدیده ای طبیعی می باشد و هدف از قانون نیز رسیدن به مطلوبی واقعی و عینی در حیات انسانی است. پس قانون از دو سو با واقعیات عینی ارتباط دارد. راه اثبات حقانیت یک قانون و برتری آن نسبت به قوانین دیگر این است که نشان داده شود آن قانون بیشترین تناسب را با واقعیات عینی مربوط به خود در جهت رسیدن به هدف مطلوب دارد. قوانینی که از ثبات و دوام برخوردارند و به عبارت دیگر قانونگذار آنها را برای مدت معینی وضع نکرده و مدعی است که این قوانین برای همیشه اعتبار دارند، می بایست مبتنی بر ویژگی ها و خصوصیات دایمی و ماندگار انسان ها و طبیعت باشند. چنان چه قوانین موقت نیز می بایست با شرایط و وضعیت متغیر تناسب و هماهنگی داشته باشند، تا با زوال آن شرایط، آن قوانین نیز اعتبار خود را از دست بدهند. قانون تعدد زوجات که در صدد دفاع عقلانی از آنها می باشیم، قانونی ماندگار و همیشگی هستند. از این رو راه دفاع عقلانی از این قانون تنها زمانی ممکن است که نشان داده شود میان این آن و واقعیات همیشگی و ماندگار انسان ها هماهنگی وجود دارد.

بی تردید بین زن و مرد تفاوت های طبیعی جسمی و روانی وجود دارد. این تفاوت ها زاینده شرایط زمانی و مکانی خاصی نیستند و ریشه در خلقت و آفرینش اولیه آن دو دارد. در نظر بدوی می توان اینگونه ادعا کرد که وضع قوانین مختلف برای دو جنس متفاوت، امری بعید و مردود نیست؛ البته به شرط آنکه تفاوت قوانین برگرفته از تفاوت های طبیعی و متناسب با آنها باشد و آلا هر تفاوت طبیعی منجر به تغییر در قانون نمی شود. آنچه در نظر ابتدایی بعید به نظر می رسد این است که گروهی ادعا کنند برای دو موجود متفاوت که در زمینه های گوناگون با یکدیگر تفاوت های طبیعی و عینی دارند، قوانین کاملاً یکسان و یکنواختی وضع شود.

اسلام بر اساس واقعیات علمی محسوس و غیر قابل انکار، مدعی است زن و مرد دو جنس متفاوت می باشند. از این رو هر چند در اصول انسانیت و ویژگی های مربوط به آن مشترکند؛ ولی در خصوصیات مربوط به جنسیت خود تفاوت دارند. همین اشتراک و تفاوت، سبب وضع قوانینی مشترک در برخی زمینه ها و قوانینی متفاوت در زمینه های دیگر برای آن دو شده است.

دنیای امروز نیز برخی از قوانین متفاوت پیرامون زن و مرد را که به تفاوت های آشکار جسمی آنان باز می گردد، پذیرفته است. مثلا، قوانین کار مربوط به زنان در غالب کشورها نسبت به قانون کار مردان تفاوت های منطقی و معقولی دارد. تفاوت در سن بازنشستگی، پرهیز از به کارگیری زنان در کارهای سخت و دشوار جسمی و مرخصی های مربوط به دوران بارداری و شیردهی، مثال هایی روشن در این زمینه است. اگر قانونگذار ادعا کند تفاوت های میان زن و مرد تنها منحصر در این چند ویژگی جسمی در زمینه کار نیست، بلکه این دو جنس تفاوت های دیگر جسمی و روانی نیز دارند که منطقا سبب تفاوت در قوانین می گردد، ادعایی بعید نکرده است، بلکه باید از او خواست که رابطه ای منطقی میان این تفاوت ها و تفاوت در قوانین را ارایه دهد.

تفاوت های طبیعی میان زن و مرد ظالمانه یا بیهوده نیست. در دیدگاه دینی و اسلامی، خلقت جهان آفرینش هدفمند و حکمیانه است. هیچ موجودی به گزاف و بیهوده خلق نشده و هیچ تفاوت و تبعیضی از سر ظلم و ستمگری بوجود نیامده است. مجموعه هستی برای رسیدن به هدفی خاص ساخته و پرداخته شده است و هر جزیی در این مجموعه عظیم عهده دار وظیفه ای است که رسیدن این مجموعه را به هدف خود تسهیل می کند. پس همه افراد این مجموعه با همه تفاوت هایشان خردمندانه و حکمیانه آفریده شده اند و هیچ یک در جایگاه خویش ناقص و معیوب نیست، بلکه تفاوت ها ناشی از تفاوت جایگاه هر یک در نظام هدفمند آفرینش است.

در این دیدگاه نه تنها بر تفاوت های طبیعی و فطری انسان ها نام ظلم و ستم نمی توان نهاد، بلکه در مقام مقایسه نیز نمی توان موجودی را ناقص و معیوب تلقی کرد، چون هر یک برای نقشی که در هستی بر عهده گرفته کامل و بی عیب است؛ اما در نگرش مادی گرایانه - که در ورای طبیعت، اراده ای حکمیانه دیده نمی شود- سخن از «خطای طبیعت» یا «طبیعت وحشی» به میان می آید. اینگونه تعابیر در میان فمینیست های غیر الهی رواج دارد و حکایت از اعتراض نسبت به نحوه آفرینش دارد.

باید به این نکته توجه داشت که زن و مرد در انسانیت هیچ تفاوتی با هم ندارند. وجود اختلافات گوناگون جسمی و روانی میان آن دو سبب نمی شود که یک جنس در انسانیت مقدم بر جنس دیگر باشد. از سوی دیگر، یکی از اسرار وجود این تفاوت ها میان زن و مرد و بلکه تفاوت های میان آحاد انسان ها در نیاز آنها به یکدیگر نهفته است. انسان ها به دلیل برتری ها و نقصان هایی که نسبت به یکدیگر دارند، نیازمند هم می شوند. برخی از نظر جسمی توانمندترند و برخی دیگر از نظر هوشی و عقلی یا از نظر عاطفی و احساسی. همین سبب نیاز آنها به یکدیگر می شود. زن و مرد نیز به دلیل همین تفاوت ها به یکدیگر نیازمند هستند. اجتماع و مهم ترین نهاد آن که خانواده است، به دلیل همین نیازها شکل می گیرد. اگر چنین نبود انسان ها نیازی به زندگی مشترک در خانه و اجتماع نداشتند.

دیدگاههای مختلف در باره فلسفه تعدد زوجات

پرسش از حکمت و فلسفه جواز تعدد همسر برای مرد و عدم جواز آن برای زن و اشکال و شبهه در باره حکم تعدد زوجات سابقه ای طولانی دارد و به عصر حضور معصومان (ع) می رسد (صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۵۰۴). در عین حال موارد آن تا سده اخیر بسیار اندک است. اما در دهه های اخیر، سیلی از این گونه پرسش ها و اعتراضات در باره این حکم در مجامع عمومی و تخصصی شکل گرفته است. از این رو دفاع عقلانی و کلامی از این حکم دل مشغولی بسیاری از دانشمندان مسلمان معاصر گشته و پاسخ های گوناگونی از سوی آنها ارائه شده است.

علت شکل گیری این حرکت اعتراضی در قرن اخیر این است که در گذشته این حکم با فرهنگ مردمان آن اعصار سازگار بود، از این رو مورد مخالفت عموم مردم و دانشمندان قرار نمی گرفت؛ اما بعد از رویارویی جوامع مسلمان با تمدن مغرب زمین، این حکم که با فرهنگ مدرن سازگاری ندارد به عنوان یکی از جنجالی ترین احکام شریعت اسلام مورد نقد و رد غربیان قرار گرفت؛ تا جایی که برخی از مسلمانان نیز تحت تاثیر فرهنگ غرب قرار گرفته و به این حکم اعتراض کرده یا در حقانیت آن به تردید افتادند.

اندیشمندان مسلمان در مقابل این جنبش اعتراضی در صدد دفاع از اسلام برآمدند. در این میان دو موضع گیری متفاوت در میان دانشمندان مسلمان دیده می شود، بیشتر آنان با بیان حکمت و فواید این حکم به دفاع از آن پرداخته اند. برخی نیز با انکار انتساب این حکم به اسلام و یا اختصاص آن به عصر صدور کوشیده اند دامان اسلام را از آن پاک کنند. از جمله به نصر حامد ابو زید نسبت داده شده که وی تعدد زوجات را حکمی غیر دائمی و مختص به دوره ای خاص و راه حلی برای مشکلی موقت می داند. به نظر او اسلام در مقابل تعدد زوجات نامحدود در میان اعراب که موجب تحقیر زن می شد، محدودیتی ایجاد کرد تا مانع تزییع حقوق زنان شود، ولی اگر این موضع اسلام تبدیل به یک قانون ماندگار شود بار دیگر تزییع حقوق آنان را در پی دارد. پیش از او قاسم امین مصری در سال ۱۳۱۸ ق کتابی به نام «تحریر المرأة» نوشت که سر آغاز حرکت فیمینیسیم اسلامی شد. او نیز در این کتاب، حکم تعدد زوجات را منسوخ دانست و اجرای آن در این عصر را موجب تزییع حقوق زنان پنداشت. همچنین در این باره می توان از دیدگاه کسانی چون مصطفی رافعی دانشمند عرب یاد کرد که با ضمیمه آیه ۱۲۹ سوره نساء به آیه سوم همان سوره به این نتیجه می رسند که اسلام به علت عدم توانایی مرد بر رعایت عدالت میان همسران با حکم تعدد زوجات مخالف است. به باور او نتیجه اینکه قرآن کریم در آیه ۱۲۹ سوره نساء رعایت عدالت را شرط تعدد زوجات قرار داده و از سوی دیگر فرموده است که مردان توان رعایت عدالت را ندارند این است که تعدد زوجات برای هیچ مردی جایز نخواهد بود.

در مقابل برخی مانند سید قطب و علامه طباطبایی با بیان حکمت و فلسفه این حکم و نیز پاسخ به اشکالات مطرح شده در باره آن به دفاع از این حکم پرداخته اند. بسیاری از دانشمندان مسلمان در بیان حکمت تشریح حکم تعدد زوجات نخست یادآور این نکته شده اند که اسلام تعدد زوجات مرسوم در جامعه عرب و غیر عرب آن زمان را محدود به چهار همسر و رعایت عدالت نمود. از این رو نقش اسلام در آن زمان تاسیس حکم تعدد زوجات نبود، بلکه این سنت رایج را که حدی برای آن نبود، محدود کرد (قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۷۹؛ مطهری، ج ۱۹، ص ۳۰۷، ۳۵۷؛ مکارم، ۱۳۷۴ش، ج ۳، ص ۲۵۷).

مهم ترین حکمتی که بسیاری از معاصران در توجیه عقلانی تعدد زوجات در اسلام بیان کرده اند فزونی جمعیت زنان بر مردان در جوامع مختلف است. سابقه بیان این حکمت برای حکم تعدد زوجات به عصر معصومان (ع) می رسد. محمد بن سنان که از اصحاب امام رضا (ع) است، ذیل روایتی از آن حضرت، علت این حکم را فزونی تعداد زنان نسبت به مردان ذکر کرده است (صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۵۰۴). معاصران گاهی این کثرت را معلول علل طبیعی مانند فزونی آمار متولدین دختر نسبت به پسر، طولانی تر بودن عمر زنان نسبت به مردان و مقاومت جسمانی بیشتر زنان در مقابل بیماری ها؛ و گاهی به علت عوامل رفتاری انسانها، مانند کشته شدن مردان در جنگها و نیز مواجهه بیشتر آنها با حوادث و بلایایی که موجب تلفات جانی است دانسته اند (حسنی، ص ۷۹؛ محسنی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۱۰۹؛ صدر، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۱۵۷؛ مطهری، ج ۱۹، ص ۳۲۳، ۳۲۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۸۷؛ قطب،

۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۷۹؛ مکارم، ۱۳۷۴ش، ج ۳، ص ۲۵۷). حتی برخی ضمن تصریح بر این که حکمت عدد چهار بر انسان پوشیده است، احتمال داده اند که محدودیت تعدد زوجات به عدد چهار به این علت باشد که احتمال فزونی زنان نسبت به مردان به نسبت بیش از چهار برابر بسیار بعید است، اما احتمال کمتر از آن به علت حوادثی مانند جنگ وجود دارد. از این رو عدد چهار مرز تعدد زوجات قرار داده شد (صدر، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۱۷۸؛ قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۷۹).

شهید مطهری این علت را مهم ترین عامل تعدد زوجات می داند و آن را به فزونی تعداد زنان آماده ازدواج نسبت به مردان آماده ازدواج تفسیر می کند. او برای اثبات ادعای خود به بیان آمار مستند در این زمینه می پردازد. از نظر او هر چند در برخی جوامع آمار مردان بیش از زنان است اما تعداد زنان آماده ازدواج بیش از مردان آماده ازدواج است (مطهری، ج ۱۹، ص ۳۲۳، ۳۲۵). فزونی زنان آماده ازدواج نسبت به مردان به علت زود هنگام بودن بلوغ زنان است. همین موجب می شود که در یک محدوده سنی مشخص در دوران جوانی، تعداد زنان آماده ازدواج بیش از مردان آماده ازدواج باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۸۷؛ مکارم، ۱۳۷۴ش، ج ۳، ص ۲۵۷).

علت دومی که برای این حکم ذکر شده، یائسگی در زنان است. قدرت تولید مثل در زنان حدود سن پنجاه سالگی از بین می رود ولی مردان تا سالها پس از آن توان تولید مثل دارند و منع از تعدد زوجات موجب می شود که توان تولید مثل مردان در سالهای متمادی بدون فایده باشد. (قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۸۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۸۷؛ مکارم، ۱۳۷۴ش، ج ۳، ص ۲۵۷؛ مطهری، ج ۱۹، ص ۳۲۲).

فزونی قدرت غریزی مرد علت سومی است که ذکر شده است. مرد از نظر غریزه جنسی قوی تر از زن است به گونه ای که گاهی یک زن او را کفایت نمی کند و نیاز او را برآورده نمی سازد، به خصوص که در حالت بارداری و عادت ماهانه زنان یا مسافرت و بیماری محدودیت هایی برای روابط جنسی زناشویی پدید می آید. از این رو تعدد زوجات برای رعایت نیازهای مردان لازم است (صدر، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۱۵۸؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۸۸).

غریزه جنسی در زن به گونه ای است که یک مرد می تواند نیازهای جنسی او را برآورده کند و اگر هم موارد بسیار نادری از زنان بر خلاف این باشند به علت نادر بودن این موارد وضع قانون تعدد ازواج برای زنان توجیه پذیر نیست. به علاوه وجود غریزه طبیعی غیرت در مردان موجب می شود که زندگی زناشویی برای مردان در فرض تعدد ازواج برای زن، جانکاه و بسیار دشوار باشد و همین موجب انزجار مرد از همسرش می گردد و در نهایت به ضرر زن خواهد بود (صدر، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۱۶۱). در روایتی آمده است که غیرت فقط در مردان است. به همین جهت بیش از یک شوهر بر زن حرام است. اما مرد می تواند چها زن بگیرد و خداوند بزرگوار تر از این است که زن را به غیرت مبتلا کند و به شوهر او اجازه دهد که سه زن دیگر بگیرد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۰۵). البته روایاتی وجود دارد که گویای فزونی قدرت غریزی در زنان به مقدار ده برابر مردان می باشد (عاملی، ۱۳۸۴ق، ج ۳، ص ۱۷). برخی در پاسخ به این روایات گفته اند: بر اساس همین روایات، حیا در زن ده برابر مرد است و همین موجب تسلط آسان تر زن بر غریزه اش می شود (صدر، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۱۶۰؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۸۸). ممکن است در توضیح این روایات بتوان گفت که این روایات ناظر به مقایسه لذت زنان و مردان در هنگام اوج لذت جنسی است و منافاتی با قدرت تحریک پذیری بیشتر غریزه جنسی در مردان که در صورت عدم کنترل، موجب مشکلات گوناگون فردی و اجتماعی می شود نیست.

برخی از مستشرقان نیز کوشیده اند علل تشریح حکم به تعدد زوجات در اسلام را بیان کنند. منتسکیو اصرار زیادی دارد که علل جغرافیایی را دخالت دهد. به عقیده او، آب و هوای گرمسیری مشرق زمین مقتضی رسم تعدد زوجات بوده است. او می گوید: در آب و هوای مشرق زمین زن زودتر بالغ می شود و هم زودتر پیر می شود و از این جهت مرد به زن دوم و سوم احتیاج پیدا می کند (۱۳۷۰ ش، ج ۱، ص ۵۲۰) به گفته مطهری این توجیه به هیچ وجه صحیح نیست، زیرا رسم تعدد زوجات در مشرق زمین منحصر به مناطق گرمسیر نبوده است. در ایران با اینکه از لحاظ آب و هوا معتدل است، از قبل از اسلام تعدد زوجات معمول بوده است. (ج ۱۹، ص ۳۱۷).

دیدگاه برتر

به نظر می رسد مهم ترین عامل تشریح چنین حکمی در اسلام، قدرت غریزه جنسی در مردان و تحریک پذیری بیشتر این غریزه در آنان می باشد. شواهد و قرائن متعددی را می توان یافت که گویای این واقعیت است که زن و مرد از نظر نیاز جنسی شبیه به یکدیگر آفریده نشده اند. چون اطفال غریزه جنسی، از مهم ترین علت های قانون ازدواج می باشد، از این رو تفاوت طبیعی و فطری زن و مرد در این غریزه، سبب تغییر و تفاوت قانون ازدواج نسبت به آن دو شده است.

اتکای قانون دایمی تعدد زوجات بر امری فطری و طبیعی که پیوسته با خلقت انسان ها مقرون می باشد، توجیه مناسب و منطقی برای تشریح و دوام این قانون است. پزشکان متعدد در آثار مربوط به مسایل جنسی و زناشویی، پیوسته بر این نکته تأکید دارند که جنس مرد دارای غریزه ای بیدارتر، تحریک پذیرتر و قویتر از زن می باشد و زنان به طور معمول از کشش غریزی کمتری برخوردارند، هر چند ممکن است لذت جنسی در هر دو جنس در هنگام اوج بهره مندی جنسی برای زن و مرد مساوی باشد و یا حتی زنان از لذت بیشتری برخوردار شوند، ولی تردیدی نیست که غریزه جنسی مرد تحریک پذیرتر، حساس تر و پرکشش تر است؛ به علاوه درصد قابل توجهی از زنان دچار سرد مزاجی هستند و حتی از قدرت جنسی در حد متوسط نیز برخوردار نمی باشند (استون، ۱۳۷۱، ص ۲۵۶).

علاوه بر مطالعات و تحقیقات آماری و آزمایشگاهی پزشکان در این زمینه، مهم ترین قرینه و شاهد بر این ادعا، نگاهی جامعه شناختی به روابط جنسی میان زن و مرد در جوامع گوناگون بشری است. در طول تاریخ بشری و تقریباً در همه جوامع انسانی به یک سنت و روش متداول میان انسان ها برمی خوریم. آدمیان در جوامع مختلف که دارای فرهنگ ها و آیین های گوناگون می باشند، ازدواج را به عنوان تنها راه مشروعیت دادن به روابط جنسی میان زن و مرد پذیرفته اند. هر چند نحوه تحقق ازدواج در هر جامعه ای مبتنی بر آیین و رسوم خاص آن جامعه است، ولی اصل ازدواج که همان روابط جنسی مشروع و قانونی میان زن و مرد است، در همه جوامع وجود دارد و روابط جنسی خارج از این چارچوب در هر جامعه ای روابط نامشروع تلقی می شود. البته ممکن است قبح و زشتی روابط نامشروع در جوامع، متفاوت باشد اما هنوز در فرهنگ بسیاری از جوامع، التزام و پای بندی به روابط مشروع امری پسندیده تلقی می شود.

امروزه در اکثر جوامع بشری غیر مسلمان و برخی از جوامع کوچک، نظام و قانون تک همسری به عنوان تنها قانون برای روابط مشروع میان زن و مرد تعریف شده است. این قانون برای کنترل و ضابطه مند کردن روابط جنسی زن و مرد وضع شده است. ولی در کنار این قانون، شیوع و گسترده گی روابط جنسی نامشروع و خارج از چارچوب قانونی به راحتی به چشم می خورد. ارتباط جنسی خارج از ازدواج چنان در جوامع امروزی، خصوصاً جوامع غربی

شیوع دارد که قانون ازدواج را که به جهت کنترل روابط جنسی میان زن و مرد وضع شده بود، به تدریج در این جوامع که ادعای قانون گرایی دارند تبدیل به یک قانون صوری، شکست خورده و ناکارآمد کرده است.

گوستاولوبون شرق شناس بزرگ فرانسوی می گوید: «در غرب هم با وجود این که آب و هوا و وضع طبیعت هیچ کدام ایجاب چنین رسمی (تعدد زوجات) نمی کند، با این حال همسر چیزی است که ما آن را فقط در کتاب های قانون می بینیم، و آلا گمان نمی کنم که بشود انکار کرد که در معاشرت واقعی ما اثری از این رسم نیست. راستی من متحیرم و نمی دانم که تعدد زوجات مشروع و محدود شرق، از تعدد زوجات سالوسانه غرب چه چیز کم دارد؟ بلکه من می گویم که اولی از هر حیث بهتر و شایسته تر است» (لوبون، ص ۵۰۹).

امروزه هیچ کس نه ادعا می کند و نه می تواند ادعا کند که با نظام تک همسری می توان تمامی خواسته ها و نیازهای جنسی میان زن و مرد را سامان داد و همه را تحت همین قانون جای داد. ازدواج که در جوامع غربی امری ساده و بدون رسمها و آیین های جوامع شرقی اجرا می شود و راهی سهل و آسان برای زن و مرد می باشد، با این وجود نتوانسته روابط جنسی میان زن و مرد را منضبط کند. از این رو با قاطعیت می توان ادعا کرد که قانون ازدواج تک همسری در دنیا برای کنترل گزینه جنسی انسان ها شکست خورده و کارایی خود را از دست داده است.

قانون و مقرراتی که اجرای آن سبب شود جمعیت فراوانی از مردم در زمره متخلفان و قانون شکنان قرار گیرند، قانونی متناسب با انسانها و مقتضیات و شرایط جامعه نیست. به عبارت دیگر نمی توان بیشتر مردم و یا نیمی از جمعیت جامعه را و یا حتی اقلیت قابل توجهی از آنان را مجرم تلقی نمود و مجازات کرد. در این صورت باید در اصل قانون، تجدید نظر کرد و یا اگر اصل حقانیت قانون جای تردید ندارد (همچون قوانین الهی) می بایست اجرای آن را موکول به فراهم شدن شرایط و فرهنگ متناسب با آن کرد.

تحلیل و مطالعه بر روی چگونگی روابط جنسی نامشروع میان زنان و مردان در جوامع گوناگون در طول تاریخ بشر، ما را به حقیقتی مهم رهنمون می سازد. متأسفانه، در بازار آزاد و غیرقانونی روابط جنسی، مردان غالباً متقاضی هستند و زنان مورد تقاضا؛ مردان در قبال درخواست غریزی خود پول پرداخت می کنند و زنان هرزه در قبال برآورده کردن خواسته مردان هرزه دستمزد دریافت می کنند. این رویه ناپسند که سابقه ای به دیرینگی تاریخ بشری دارد و در دوران جاهلیت قبل از اسلام هم شیوع فراوانی در جامعه حجاز و جوامع دیگر داشته است، گویای حقیقتی غیر قابل انکار و مسلم است و آن نیاز مردان به اطفال و اشباع غریزه خود و نیاز زنان هرزه به درآمد مالی است.

از این رو با قاطعیت می توان گفت تعداد مردان هرزه یعنی کسانی که حاضر به روابط نامشروع هستند، بسیار بیش از زنان هرزه است و این به جهت این نکته می باشد که هرزگی در مردان برخاسته از امری طبیعی و نیازی فطری در آنان است. پس افرادی که فرصتی می یابند تا از فشار جامعه و یا فشار وجدان اخلاقی خود خلاصی یابند به سوی روابط نامشروع سوق می یابند. در حالی که تعداد زنان پای بند به نظام تک همسری (خصوصاً در جوامع منضبط و اخلاقی) بسیار بیش از مردان است. این به جهت رجحان اخلاقی زنان نسبت به مردان نیست، بلکه به جهت تفاوت طبیعی و فطری این دو جنس در غریزه جنسی و کشش بیشتر این غریزه در مردان است.

این واقعیت تلخ و غیرقابل انکار این حقیقت را آشکار می کند که این دو جنس در مسایل جنسی از شرایط یکسان برخوردار نیستند، تا قانونی یکسان برای آنان وضع شود. نیاز آنان به یک اندازه نیست تا به مانند هم نیازشان برآورده شود. پیش از این گفتیم که وضع قانون یکسان برای دو موجود متفاوت، جز بر هم ریختن توازن و تعادل جامعه و بی نظمی و بی قانونی ثمره ای ندارد.

شکست نظام تک همسری در جهان امروز، چنان نزد خردمندان و حقوقدانان جوامع گوناگون امری مسلم و غیرقابل انکار تلقی شده است که بسیاری از آنان به دنبال راهکاری قانونی برای مشروعیت دادن به مراکز فساد و فحشا برآمده‌اند و دست به تدوین یک نظام حقوقی برای این مراکز زده‌اند. از آنان مالیات می‌گیرند، مجوز تأسیس بر اساس قوانین مربوط می‌دهند و یا مجوز آنان را لغو می‌کنند. جوامع دیگر هم اگر این فساد و فحشاء را به رسمیت قانونی نشناخته‌اند، چاره‌ای جز چشم‌پوشی از آن و نادیده گرفتن این تخلف قانونی نمی‌بینند و در نهایت در جوامعی (همچون جامعه ما) که نه اجازه رسمی به تأسیس چنین مراکزی داده می‌شود و نه از وجود غیر قانونی آنها چشم‌پوشی می‌شود و از سوی دیگر، نظام تعدد زوجات و ازدواج موقت، بستر مناسب فرهنگی خویش را در جامعه باز نکرده است، گرفتار چالش و مشکل دیگری هستند و آن انتشار فساد در سطح جامعه و مزاحمت‌های گوناگون برای اکثریت بانوان می‌باشد.^۱ یکی از علل مهم این تناقضات در جوامع بشری این است که تفاوت‌های طبیعی بین مرد و زن نادیده انگاشته شده، در نتیجه برای دو موجود متفاوت، قانونی یکسان وضع گردیده است، در این صورت طبیعی خواهد بود که نظم جامعه توسط جنسیتی که به طور طبیعی و غریزی زیاده‌خواه است، بر هم زده می‌شود. پس چاره‌ای جز این نیست که در تشریح قانون ازدواج که برای تحت کنترل در آوردن و انضباط روابط جنسی وضع شده است، تفاوت غریزه جنسی زن و مرد لحاظ شود و برای جنسیتی که به طور طبیعی زیاده‌خواه است و از قدرت غریزی بیشتری برخوردار است امکانات بیشتری برای مهار غریزه اش فراهم گردد.

نکته دیگری که نباید در تشریح قانون تعدد زوجات مورد غفلت قرار بگیرد این است که نمی‌بایست مسئله تعدد زوجات را تنها از دریچه چشم همسر اول مورد بررسی و ارزیابی قرار داد و آن را ظلم و بی‌وفایی به او تلقی کرد، بلکه این مسئله دارای زوایای دیگری نیز هست که غیر از زوایای اجتماعی آن، حداقل دو بعد دیگر نیز دارد و آن نگرش از زاویه دید مرد و نیز نگرش از زاویه دید همسر دوم است. مرد به طور طبیعی ممکن است نیازهای جنسی او برآورده نشود، به گونه‌ای که کشش غریزی او را به گناه و یا روابط نامشروع بکشاند و یا وی را تحت فشارهای سخت و غیرقابل تحمل جنسی و روانی قرار دهد و زن دوم نیز نیازمند همسری دائمی است که معمولاً به

۱ - یک نهاد عمومی با انجام نظرسنجی از بانوان ۱۸ تا ۵۰ ساله تهرانی، مهم‌ترین عوامل مزاحمت در تهران از نظر خانم‌ها را ارزیابی کرده است. در این نظرسنجی که هزار خانم در جریان آن مورد پرسش قرار گرفتند، پرسش‌گران با نام بردن مزاحمت‌های رایج برای بانوان در تهران، از پرسش‌گران خواسته‌اند تا درجه این مزاحمت را بین چهار گزینه‌ی خیلی زیاد، زیاد، کم و خیلی کم ارزیابی کنند.

بانوان تهرانی مزاحمت «بوق زدن اتومبیل و اصرار بر سوار شدن» را با ۸۵ درصد انتخاب گزینه خیلی زیاد، بیشترین مزاحمت برای خود دانسته‌اند. پاسخ‌های بانوان به سایر مزاحمت‌های مطرح شده در این ارزیابی عبارتند از:

انتشار تصاویر خصوصی افراد: ۸۰٪ زیاد و خیلی زیاد؛

تنه زدن عمدی به زنان، ۸۳٪ زیاد و خیلی زیاد؛

متلک گفتن؛ ۷۶٪ زیاد و خیلی زیاد؛

شنیدن الفاظ رکیک؛ ۷۵٪ زیاد و خیلی زیاد؛

ویراژ دادن و حرکات نمایشی موتور سواران، ۷۲٪ زیاد و خیلی زیاد؛

تعقیب زنان توسط مردان در اماکن خلوت، ۷۲٪ زیاد و خیلی زیاد. (منبع: روزنامه اعتماد ملی، ۱۴/۹/۸۶).

جهت شرایط خاص خود نمی‌تواند با مردی مجرد ازدواج کند. پس نگاه تک بعدی به مسئله‌ای که حداقل دارای سه زاویه است، نگرشی سطحی است و از جامعیت لازم برخوردار نیست.

ابعاد اخلاقی تعدد زوجات

روشن کردیم که قانون انحصار ازدواج به تک همسری از نظر حقوقی، قانونی شکست خورده و ناکارآمد است و اینک این نکته بسیار مهم را می‌افزاییم که ازدواج تک همسری بهترین شکل ازدواج است و خانواده برخاسته از نظام تک همسری به خانواده ایده‌آل نزدیک‌تر می‌باشد.

ممکن است به نظر آید که میان این دو ادعا تناقض وجود دارد، در حالی که با تفکیک ابعاد اخلاقی از حقوقی حکم تعدد زوجات، این تناقض برطرف می‌شود. نظام تک همسری از جهت قانونی و حقوقی، شکست خورده است؛ یعنی نمی‌توان همه موارد ارتباط جنسی قانونمند را تحت ازدواج تک همسری قرار داد، زیرا بخش قابل توجهی از مردان به جهت ویژگی‌های فطری و طبیعی خود نمی‌توانند به نظام تک همسری پای‌بند باشند، اما از نظر اخلاقی، خانواده تک همسری نسبت به خانواده دارای زوجات متعدد مطلوب‌تر است.

فقه و حقوق متکفل وضع قوانین کلان و کلی برای عموم افراد جامعه می‌باشند، قوانین حقوقی و فقهی باید قوانینی باشند که برای عموم مردم غیرقابل تحمل نبوده و مصلحت عموم آنان در آنها در نظر گرفته شود؛ اما اخلاق، هرچند دارای قواعد و اصول ثابت و غیرقابل تغییر می‌باشد اما این قوانین پایدار تحت شرائط و ویژگی‌های متفاوت افراد و جوامع در تزاخم با یکدیگر قرار می‌گیرند و گاهی اولویت‌های خویش را از دست می‌دهند و آنگاه قانون اخلاقی دیگری رجحان می‌یابد. از این رو نمی‌توان اخلاق را بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی افراد در نظر گرفت. زندگی ایده‌آل، زندگی است که اگر چه مخالف قوانین حقوقی و فقهی نیست ولی اخلاق نیز در آن نادیده گرفته نشده است.

از نظر اخلاقی، اگر مرد بتواند غریزه خود را کنترل کند و گرفتار فحشا نشود، زندگی بر اساس نظام تک‌همسری از شرایط بسیار بهتری برای رشد و تعالی افراد خانواده برخوردار است. وجود روابط محبت‌آمیز و بلکه عاشقانه میان زوجین، روابط سالم میان فرزندان با یکدیگر و با پدر و مادر و مسایل مهم دیگر در خانواده تک‌همسری بستری مناسب‌تر خواهند یافت. از این رو، مردان می‌بایست قانون تعدد زوجات را به خصوص در جامعه و فرهنگ امروز، تنها به عنوان یک قانون هنگام ضرورت تلقی کنند و مصلحان و اندیشمندان مسلمان نیز در کنار دفاع حقوقی و قانونی از آن برای پرهیز از فساد و فحشا و فراهم ساختن بسترهای مناسب آن، به ترویج و توسعه نابجای آن نپردازند و ابعاد غیراخلاقی آن را به جامعه گوشزد کنند.

ابعاد اخلاقی تعدد زوجات از نظر برخی فقیهان دور نبوده است و آنها عمل به آن را در شرایط نامناسب کاری غیر اخلاقی دانسته‌اند (خوبی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۰۷). حتی یکی از دانشمندان معاصر با اعتراف به مشروعیت این حکم از نظر فقهی در عصر حاضر، عمل به آن را در زمان حاضر از نظر اخلاقی، مخالف تقوا و موجب ظلم، کینه، دشمنی و اختلاف در خانواده می‌داند. به نظر ایشان آیه دلالت بر جواز تعدد زوجات در فرض وجود شرایط و مقتضیات می‌کند (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۸، ص ۲۶۵). برخی نیز اجمالا به دشواری رعایت عدالت میان همسران در عصر حاضر نسبت به اعصار گذشته اذعان دارند و بدین وسیله کوشیده‌اند ابعاد اخلاقی این حکم را با توجه به تغییر شرایط از نظر دور ندارند (مکارم، ۱۳۷۴ش، ج ۳، ص ۲۵۹).

با دقت در مفاد آیه ۱۲۹ سوره نساء روشن می شود که دلیلی وجود ندارد که شرط رعایت عدالت در تعدد زوجات را که در این آیه آمده است منحصر به روابط حقوقی کنیم و آن را — چنانکه در فقه آمده است — مربوط به قسم (تقسیم مساوی شبها میان زنان) یا نفقه نماییم، بلکه شامل مسائل اخلاقی هم می شود. پس اگر ازدواج مجدد موجب ظلم به همسر اول یا خانواده شود — هر چند تقسیم مساوی شبها و نفقه در آن رعایت گردد — به فرموده قرآن این ازدواج جایز نیست. به نظر می رسد در زمان حاضر و با توجه به فرهنگ مردم، ازدواج مجدد در بیشتر موارد موجب ظلم و آزار نسبت به دیگران شود.

برخی دانشمندان با دیدگاهی خارج از چارچوب های صرفاً فقهی به قانون تعدد زوجات نگرسته‌اند و بدین وسیله کوشیده‌اند جایگاه این قانون را در نظام اجتماعی و خانوادگی از دیدگاه اسلام ترسیم کنند. به نظر آنها از دیدگاه اسلام، تعدد زوجات تامین کننده وضعیت مطلوب و آرمانی در نظام خانواده نیست و تنها راهکاری قانونی برای حل برخی مشکلات اجتماعی و خانوادگی می باشد (قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۸۲). به عقیده مطهری در این که تک‌همسری بهتر است تردیدی نیست. او می گوید: «تک‌همسری یعنی اختصاص خانوادگی، یعنی اینکه جسم و روح هر یک از زوجین از آن یکدیگر باشد. بدیهی است که روح زندگی زناشویی که وحدت و یگانگی است در زوجیت اختصاصی بهتر و کاملتر پیدا می شود». او با دیدگاه کسانی که طبیعت مرد را در چند همسری می بینند و آن را مخالف تک‌همسری می دانند موافق نیست (مطهری، ج ۱۹، ص ۳۴۰).

پس از نظر اسلام در شرایط طبیعی، نظام تک‌همسری مطلوب می باشد و قانون تعدد زوجات برای موارد خاص و گروه اندکی تشریح شده است و خلاف اصل اولی در نظام خانواده است (صدر، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۱۵۹). تساوی نسبی تعداد زنان و مردان در نظام تکوین نیز این نکته را تأیید می کند، زیرا اگر تعدد زوجات بر تک‌همسری رجحان داشت و طبیعت انسانها با تعدد زوجات سازگار بود در این صورت می بایست در نظام خلقت حداقل تعداد زنان دو برابر مردان می بود تا امکان بهره مندی همه مردان از این امر مطلوب و موافق طبیعت آنها فراهم می شد.

پرسشهایی در باره تعدد زوجات

دانشمندان مسلمان برای دفاع از حکم تعدد زوجات در مقابل اعتراض های فراوان افکار عمومی غربیان و مسلمانانی که تحت تاثیر آنها می باشند، علاوه بر تبیین حکمت تشریح این حکم به بیان پاسخ هایی در مقابل پرسش ها و اشکالات گوناگون آنها پراخته اند. از جمله علامه طباطبایی به طرح چهار اشکال در این باره پرداخته و سپس به آنها پاسخ داده است. بعد از او برخی مانند شهید مطهری همان اشکالات را به همراه اشکالات دیگر مطرح کرده و در صدد پاسخ به آنها برآمده اند.

اشکال نخست آن است که تعدد زوجات موجب آزار روحی و روانی همسر اول می شود و همین زمینه دشمنی و نفرت در فضای خانواده را فراهم می سازد و موجب آسیب به زندگی زناشویی و تربیت فرزندان می گردد. در پاسخ گفته شده که آزاری که بعضی از زنان از ازدواج مجدد همسرشان می برند بر خواسته از تربیتی غیر دینی است. اگر جامعه تحت تربیت اسلامی باشد، زنان از ازدواج مجدد همسران شان که بر آنها حلال و چه بسا واجب باشد رنج نخواهند برد (صدر، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۱۶۸؛ مطهری، ج ۱۹، ص ۳۴۹). به علاوه قوانین می بایست بر اساس عقل پایه ریزی شود نه احساسات عارضی که بر خواسته از فرهنگ خاص یک جامعه است که ممکن است با فرهنگ جوامع

دیگر متفاوت باشد. از این رو است که تعدد زوجات در فرهنگ برخی از جوامع امری پذیرفته شده تلقی می شود و به همین جهت موجب رنجش زنان نمی گردد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۸۴).

اشکال دوم این است که تعدد زوجات مخالف سنت های جاری در طبیعت است؛ زیرا تعداد مردان و زنان در طول تاریخ و در جوامع مختلف تقریباً یکسان است و این با نظام تک همسری سازگار است نه تعدد زوجات. در پاسخ گفته شده که اولاً طبیعت همیشه این گونه نیست. ثانیاً قانون می بایست با مصالح جامعه سازگار باشد، نه با ویژگی های طبیعی (صدر، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۱۷۰). همچنین تساوی تعداد زنان و مردان تنها عامل تعیین کننده نیست، زیرا زنان به علت بلوغ زودتر خود در سنین پایین تری آمادگی برای ازدواج دارند. همین موجب می شود که در یک محدوده سنی مشخص در دوران جوانی، تعداد زنان آماده ازدواج بیش از مردان آماده ازدواج باشد. از سوی دیگر، زنان عمر طولانی تری نسبت به مردان دارند و این سبب می شود که در سنین بالا نیز تعداد زنان بیش از مردان باشد در حالی که قدرت تولید مثل در زنان حدود سن پنجاه سالگی از بین می رود، ولی مردان تا سالها پس از آن توان تولید مثل دارند و منع از تعدد زوجات موجب می شود که توان تولید مثل مردان در سالهای متمادی بدون فایده باشد. علاوه بر اینها اسلام تعدد زوجات را واجب نکرده بلکه تنها آن را برای مردانی که بتوانند عدالت و سایر شرایط را رعایت کنند جایز نموده است. بهترین شاهد بر این که قانون تعدد زوجات موجب کمبود زنان آماده ازدواج نمی شود این است که جوامعی که این قانون در آنها وجود دارد هیچگاه دچار چنین مشکلی نشده اند و مردان غالباً در ازدواج های مجدد خود سراغ زنان بیوه یا مطلقه ای رفته اند که مردان مجرد به آنها رغبتی ندارند، بلکه به عکس جوامعی که این قانون در آنها اجرا نمی شود گرفتار آمار بالایی از زنانی است که به علت نداشتن همسر گرفتار روابط نامشروع شده اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۸۷).

اشکال سوم این است که تعدد زوجات موجب ترغیب مردان به شهوت رانی است. در پاسخ گفته شده که شهوت رانی اگر در حدود شرعی باشد مانعی ندارد. بلکه شهوت رانی خارج از قانون و ضابطه مذموم است. به علاوه حکم تعدد زوجات معلول شهوت رانی مردان است نه این که آن را ایجاد کند (صدر، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۱۷۰؛ مطهری، ج ۱۹، ص ۳۴۹).

اشکال چهارم این است که تعدد زوجات موجب نقض تساوی حقوق زن و مرد و در نتیجه تحقیر زنان می شود، زیرا یک مرد در مقابل چهار زن قرار می گیرد و این حتی با مذاق اسلام که یک مرد را در ارث، شهادت و دیه مقابل دو زن قرار می دهد نیز سازگار نیست. در پاسخ گفته شده که تساوی زن و مرد در همه حقوق مطلوب نیست؛ چنانکه آن دو در ویژگی های جسمی و روانی نیز یکسان نیستند. آنچه مطلوب است رعایت مصلحت آنها و جامعه است. به علاوه اسلام در موارد خاصی یک مرد را در مقابل دو زن قرار می دهد و در بسیاری دیگر از احکام شرعی زن و مرد مساوی هستند (صدر، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۱۷۷؛ مطهری، ج ۱۹، ص ۳۵۶).

اشکال پنجم این است که به موجب عقد ازدواج، هر یک از زوجین مالک بضع و منافع جنسی دیگری می شود. حق استمتاعی که هر کدام نسبت به دیگری پیدا می کنند از آن جهت است که منافع زناشویی طرف را به موجب عقد ازدواج مالک شده است. از این رو، زن اول مالک منافع جنسی مرد است، پس ازدواج مجدد مرد بدون اذن زن اول، معامله «فضولی» است، زیرا کالای مورد معامله یعنی منافع زناشویی مرد قبلاً به زن اول فروخته شده و جزء مایملک او محسوب می شود. پس اجازه و اذن زن اول در تعدد زوجات لازم است. در پاسخ گفته شده که این ایراد مبتنی بر این فرض است که طبیعت حقوقی ازدواج را مبادله منافع بدانییم و هریک از زوجین را مالک منافع

زناشویی طرف دیگر بدانیم. در چنین فرضی اگر زن از هر لحاظ قادر باشد که منافع زناشویی مرد را تأمین کند، مرد هیچ گونه مجوزی برای تعدد زوجات بدون اذن همسر اول نخواهد داشت. اما اگر مثلاً زن عقیم باشد، یا به سن یائسگی رسیده باشد و مرد نیازمند به فرزند باشد، یا زن مریض و غیر قابل استمتاع باشد، در این گونه موارد حق زن مانع تعدد زوجات نخواهد بود. به علاوه این اشکال مبتنی بر این است که علت تشریح تعدد زوجات فقط امور شخصی مربوط به مرد باشد؛ اما اگر علل اجتماعی مانند فزونی عدد زنان بر مردان یا احتیاج اجتماع به کثرت نفوس وجود داشته باشد در این گونه موارد، تعدد زوجات واجب کفایی است و در موارد تکلیف شرعی به تعدد زوجات، رضایت و اذن همسر اول جایی ندارد (مطهری، ج ۱۹، ص ۳۵۴).

اشکال ششم این است که چرا تعدد شوهر برای زن ها جایز شمرده نشده است، در حالی که برخی از عواملی که موجب نیاز مردان به ازدواج مجدد می شود در زنان نیز گاهی وجود دارد؟ در پاسخ به این اشکال گفته شده که اولاً غریزه در مرد قوی تر است. ثانیاً تعدد شوهران برای یک زن موجب اختلاط انساب می شود (مکارم، ۱۳۷۴ش، ج ۳، ص ۲۶۱). اختلاط انساب به عنوان حکمت عدم تشریح این حکم در روایات نیز آمده است (صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۵۰۴). همچنین این حکم با غریزه غیرت و انحصارطلبی مرد نیز سازگار نیست و موجب اخلاط در تمتع جنسی مرد می گردد و نیز در چند شوهری، زن نیز آسیب می بیند، زیرا جلب و تصاحب عواطف و احساسات مرد خواست غریزی زن است و در چند شوهری، زن نقشی مانند روسپی پیدا می کند و جایگاهی در قلب مرد ندارد (مطهری، ج ۱۹، ص ۳۱۱).

به نظر می رسد با توجه به رجحان اخلاقی تک همسری بر تعدد زوجات، برخی اشکالات مطرح شده فوق با توجه به ابعاد اخلاقی تعدد زوجات وارد است و پاسخ مناسب به این اشکالات این است که دفاع حقوقی از نظام تعدد زوجات به معنای نفی آفات اخلاقی آن نیست و این اشکالات متوجه ابعاد اخلاقی تعدد زوجات است، نه ضرورتهای حقوقی آن. بر این اساس باید پذیرفت که اشکال اول مبنی بر این که تعدد زوجات موجب آزار روحی و روانی همسر اول می شود در بسیاری از موارد درست است. مفاد اشکال دوم نیز چیزی جز همان سخنی که در پایان در سرفصل قبل گفتیم نمی باشد. ما پذیرفتیم که تساوی نسبی زنان و مردان در طول تاریخ گویای این است که تعدد زوجات موافق طبیعت عموم مردان و زنان نیست. اشکال سوم نیز تا حدی وارد است، زیرا تعدد زوجات می تواند بهانه شهوترانی مردانی باشد که به ابعاد اخلاقی آن بی توجه هستند.

نتیجه گیری

برخی از نتایج علمی این نوشتار بدین قرار است:

۱. تعدد زوجات سابقه دیرینی در میان اقوام و ملل مختلف دارد.
۲. اسلام تعدد زوجات مرسوم در جامعه آن روز را محدود به چهار همسر و مشروط به رعایت عدالت کرد.
۳. قرآن کریم و سنت معصومان (ع) به وضوح دلالت بر مشروعیت تعدد زوجات دارند.
۴. همه فقیهان شیعه و اهل سنت بر مشروعیت تعدد زوجات تا چهار همسر اتفاق نظر دارند.
۵. حکم نفسی تعدد زوجات اباحه است.
۶. تعدد زوجات ممکن است به اقتضای شرایط و عوامل عارضی، واجب، حرام، مستحب و مکروه گردد.

۷. روش دفاع عقلانی یک قانون این است که نشان داده شود آن قانون بیشترین تناسب را با واقعیات عینی مربوط به خود در جهت رسیدن به هدف مطلوب دارد.
۸. مهم‌ترین عامل تشریح حکم تعدد زوجات در اسلام، قدرت‌گریزه جنسی در مردان و تحریک‌پذیری بیشتر این‌گریزه در آنان می‌باشد.
۹. از نظر اخلاقی خانواده و ازدواج مبتنی بر تک همسری بهترین شکل ازدواج است.
۱۰. تعدد زوجات قانونی است برخاسته از ضرورت‌های حقوقی که ریشه در طبیعت انسان دارد، پس باید فقط در صورت وجود ضرورت به آن اقدام شود.

فهرست منابع

۱. ابن حزم، علی بن احمد (م ۴۵۶ ه.ق)، المحلی، تحقیق احمد محمد شاکر، بیروت، دارالفکر.
۲. ابن رشد، محمد بن احمد (م ۵۹۵ ه.ق)، (۱۴۱۵ ه.ق)، بدایة‌المجتهد و نهایة‌المقتصد، تحقیق خالد عطار، بیروت، دارالفکر.
۳. ابن قدامة، عبدالله بن احمد (م ۶۲۰ ه.ق)، المغنی، بیروت، دارالکتب العربی، بیروت.
۴. اردبیلی، احمد بن محمد (م ۹۹۳ ه.ق)، زبدة‌البیان فی احکام القرآن، تحقیق محمد باقر بهبودی، تهران، المكتبة الجعفریة، اول.
۵. استون، هانا و ابراهام، (۱۳۷۱)، پاسخ به مسایل جنسی و زناشویی، ترجمه دکتر طراز الله اخوان، تهران، کلینی.
۶. اشتهاردی، علی پناه، (۱۴۱۷ ه.ق)، مدارک‌العروه، تهران، دارالاسوه، اول.
۷. بحرانی، یوسف بن احمد (م ۱۱۸۶ ه.ق)، (۱۴۰۵ ه.ق)، الحدائق‌الناضرة فی احکام‌العترة الطاهرة، تصحیح محمد تقی ایروانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، اول.
۸. بیهقی، احمد بن حسین (م ۴۵۸ ه.ق)، السنن‌الکبری، بیروت، دارالفکر.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن (م ۱۱۰۴ ه.ق)، (۱۴۰۹ ه.ق)، وسائل‌الشیعة الی تحصیل‌المسائل‌الشریعة، قم، موسسه آل‌البیت (ع)، اول.
۱۰. حسنی، هاشم معروف، (۱۴۱۱ ه.ق)، تاریخ‌الفقه‌الجعفری، قم، دارالکتب‌الاسلامی، اول.
۱۱. خویی، سید ابو القاسم (م ۱۴۱۳ ه.ق)، (۱۴۲۷ ه.ق)، فقه‌الاعذار‌الشرعیه، قم، دارالصدیقه، اول.
۱۲. صدر، سید محمد، (۱۴۲۰ ه.ق)، ماوراء‌الفقه، مصحح جعفر هادی دجیلی، بیروت، دارالاضواء، اول.
۱۳. صدوق، محمد بن علی، (۱۳۸۵ ه.ق)، علل‌الشرایع، قم، داوری.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین (م قرن چهارم ه.ق)، (۱۴۱۷ ه.ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، پنجم.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن (م ۴۶۰ ه.ق)، (۱۴۰۷ ه.ق)، الخلاف، محقق علی خراسانی و دیگران، قم، دفتر انتشارات اسلامی، اول.
۱۶. عاملی، علی بن محمد، الصراط‌المستقیم الی مستحق‌التقدیم، (۱۳۸۴ ه.ق)، مصحح میخائیل رمضان، نجف، المكتبة‌الحیدریة، اول.

۱۷. فاضل لنکرانی، محمد (م ۱۴۲۸ ه.ق)، العروه مع تعليقات الفاضل، قم، مركز فقهی ائمه اطهار، اول.
۱۸. قرطبی، محمد بن احمد، (۱۴۰۵ ه.ق)، الجامع لاحكام القرآن، بیروت، مؤسسه التاريخ العربی.
۱۹. قطب، سید بن قطب، (۱۴۱۲ ه.ق)، فی ظلال القرآن، بیروت، دار الشروق، هفدهم.
۲۰. کاشانی، ابو بکر بن مسعود (م ۵۸۷ ه.ق)، (۱۴۰۹ ه.ق)، بدايع الصنایع فی ترتیب الشرایع، پاکستان، المكتبه الحبیبيه، اول.
۲۱. کاظمی، جواد بن سعد (م ۱۰۶۵ ه.ق)، مسالك الافهام الی آیات الاحكام.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب (م ۳۲۹ ه.ق)، (۱۴۰۷ ه.ق)، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چهارم.
۲۳. لوبون، گوستاو، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ترجمه فخر گیلانی.
۲۴. مجلسی، محمد باقر، (۴۱۰ ه.ق)، بحار الانوار، بیروت، موسسه الطبع، اول.
۲۵. محسنی، محمد آصف، (۱۴۲۴ ه.ق)، الفقه و مسائل طبیئه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، اول.
۲۶. مزنی، اسماعیل بن یحیی (م ۲۶۴ ه.ق)، مختصر المزنی، بیروت، دارالمعرفه.
۲۷. مشیر الدوله، تاریخ ایران باستان، تهران.
۲۸. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰ ه.ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، نشر کتاب.
۲۹. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم، صدرا، اول.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ ه.ق)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، اول.
۳۱. منتسکیو، (۱۳۷۰ ه.ق)، روح القوانین، مترجم علی اکبر مهتدی، تهران، امیرکبیر، نهم.
۳۲. نجفی، محمد حسن (م ۱۲۶۶ ه.ق)، (۱۴۰۴ ه.ق)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، محقق عباس قوچانی، علی آخوندی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، هفتم.
۳۳. نصر، سید حسین، (۱۳۸۳)، اسلام و تنگناهای انسان متجدد، ترجمه انشاء الله رحمتی، تهران، نشر سهروردی.
۳۴. نصر، سید حسین، (بهار ۱۳۸۶)، گفت و گویی دیگر با دکتر سید حسین نصر، مجله هفت آسمان، شماره ۳۳، ص ۴۴.
۳۵. نوری، حسین (م ۱۳۲۰ ه.ق)، (۱۴۰۸ ه.ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، موسسه آل البيت (ع)، اول.
۳۶. ویل دورانت، ویلیام جیمز، (۱۳۸۰ ه.ش)، تاریخ تمدن، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، هفتم.
۳۷. یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۲۸ ه.ق)، العروه الوثقی مع التعليقات، قم، انتشارات مدرسه امام علی (ع)، اول.